

توصیف‌های یک پدر

عنوان سرمایه‌ای نفیس، مراقبت و از آن در جهت صحیح و برای پیشرفت همه جانبه‌ی ایران استفاده شود.

۴- مسؤولان نیز باید به گونه‌ای برنامه ریزی و عمل کنند که جوانان برای به کارگیری استعدادهایشان و جبران عقب ماندگی‌های موجود، میدان پیدا کنند.

۵- مجموعه‌ای عظیم از جوانان خلاق، فهیم، با استعداد، باهوش و مبتکر در دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و دیگر بخش‌های جامعه وجود دارد که باعث افتخار کشورند و حصارهای مستحکم حفظ هویت ملی و اسلامی محسوب می‌شوند.

۶- این جوانان، تفکرات اسلامی را با استواری تمام عرضه خواهند کرد.

۷- جوانان ایرانی، با این ظرفیت و هوش فراوان خود، می‌توانند الگوی جوامع اسلامی باشند.

۸- به برکت انس طولانی با قرآن، هدایت و سعادت دنیا و آخرت، نصیب انسان خواهد شد. *

* دیدار مقام معظم رهبری با برگزیدگان استعدادهای درخشان.

جوانان در آینده، همه‌ی جهان را متوجه ملت ایران خواهد کرد.

۲- هوش و استعداد درخشان ایرانی در تاریخ این کشور، ریشه دارد و افتخار آفرینی جوانان ما در المپیادهای جهانی، نشان می‌دهد که امروز، فضای مناسبی برای بروز استعدادهای جوانان به وجود آمده است.

۳- باید از هوش و استعداد جوانان کشور به

همان‌طور که می‌دانید تربیت به طور کلی با صنعت یک فرق دارد که از همین فرق، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد. صنعت عبارت است از «ساختن» به معنی اینکه شیء یا اشیایی را تحت یک نوع پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند، قطع و وصل‌هایی صورت می‌گیرد، در جهت مطلوب انسان و آن‌گاه این شیء می‌شود مصنوعی از مصنوع‌های انسان. ولی تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعالیت در آوردن و پروردن.

یک سنگ و یا یک فلز را نمی‌شود پرورش داد. آن‌طور که یک گیاه یا یک حیوان و یا یک انسان را پرورش می‌دهند. این پرورش دادن‌ها به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجودها است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست، بروز و ظهور بکنند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد. مثلاً استعداد درس خواندن در یک مرغ وجود ندارد. استعدادی را که وجود ندارد، نمی‌شود بروز داد.

استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن، ارعاب و تهدید نمی‌شود پرورش داد، همان‌طور که یک غنچه‌ی گل را نمی‌شود به زور به صورت گل درآورد، مثلاً غنچه را بکشیم تا گل بشود؛ یا نهالی را که به زمین کرده‌ایم و می‌خواهد رشد بکند، با دست خودمان بگیریم به زور بکشیم تا رشد بکند. رشد آن به کشیدن نیست. با این اوصاف پس گوش کنید:

۱- با وجود ابراز نگرانی برخی انسان‌های بدبین و به‌رغم تلاش‌های دشمنان، به فضای جوان کشور بسیار خوشبین و امیدوار هستم و معتقدم درخشش استعدادهای

